

تحولات جغرافیایی و جمعیتی در منطقه کاشان

دکتر محسن شاطریان - استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه سیستان و بلوچستان

پذیرش مقاله: ۸۲/۱/۲۲

چکیده

این مقاله به بررسی تحولات جمعیتی و جغرافیایی منطقه کاشان از سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ می‌پردازد. روند این تحولات نشان می‌دهد که جمعیت شهر کاشان پیوسته در حال افزایش بوده و جمعیت مناطق روستایی در حال کاهش و برخی روستاها خالی از سکنه شده‌اند. به طوری که در دهه ۱۳۶۵-۱۳۷۵ جمعیت روستایی این شهرستان دارای رشد منفی ۳/۲ درصد بوده است. در حالیکه متوسط رشد نقاط روستایی کل کشور ۲ درصد بوده است. این تغییر و تحولات جمعیتی بازتابهای جغرافیایی در منطقه بجای گذاشته که مهمترین آن، گسترش فضایی شهر کاشان می‌باشد.

واژگان کلیدی: جمعیت شهری، جمعیت روستایی، تحولات جمعیتی، رشد شهری، کاشان

مقدمه

منطقه مورد مطالعه منطبق است با شهرستان کاشان، واقع در حاشیه غربی بیابان مرکزی ایران در ۲۲۵ کیلومتری تهران که از شمال به استان قم و از جنوب به شهر نطنز و از شرق به دشت کویر و از غرب به کوههای کرکس محدود می‌شود (نقشه شماره ۱).

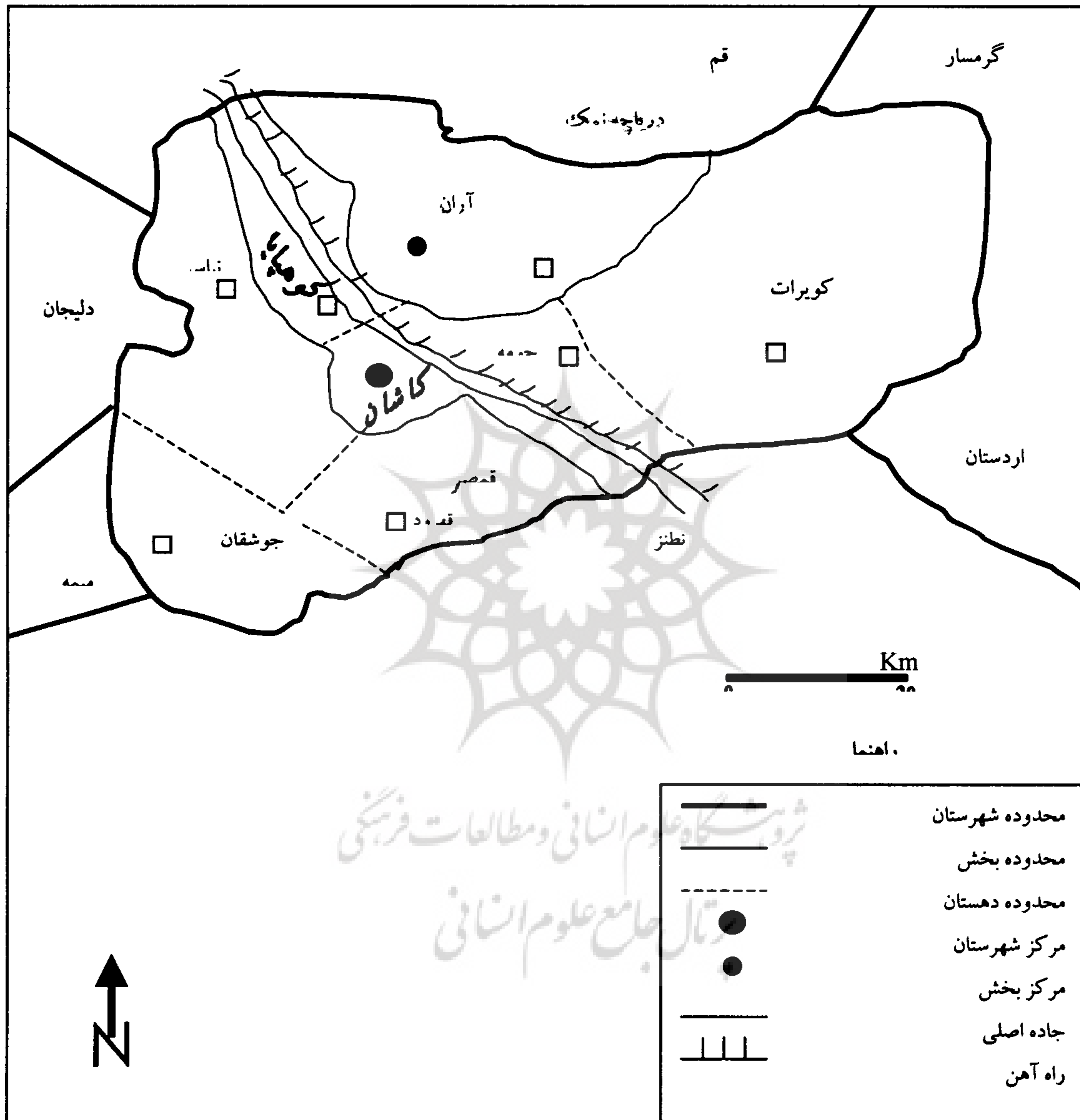
شهرستان کاشان در بین راه ارتباطی شمال به جنوب و جنوب شرقی کشور قرار دارد که پایتخت را به استانهای یزد، کرمان، بندرعباس، سیستان و بلوچستان متصل می‌کند. همچنین راه آهن تهران به جنوب شرقی ایران از شهرستان کاشان می‌گذرد.

شهرستان کاشان جزء استان اصفهان و دارای سه شهر کاشان (با جمعیت ۲۰۱۳۷۲ نفر)، آران و بیدگل (با جمعیت ۵۷۰۷۰ نفر) و قمصر (با جمعیت ۳۹۴۸ نفر) و ۷ دهستان و ۲۱۶ روستای دارای سکنه است (جدول شماره ۱). این شهرستان بر اساس سرشماری ۱۳۷۵ با مساحت ۱۰۱۵۱ کیلومترمربع دارای جمعیت ۳۳۵۷۸۵ نفر ساکن می‌باشد. تراکم نسبی در این شهرستان ۳۳ نفر است و ۷۸ درصد جمعیت در منطقه شهری ساکن هستند.

منطقه کاشان یکی از قدیمی‌ترین مناطق مسکونی و شهرنشینی کشور است که در گذشته در مسیر راههای کاروانرو قرار داشته و شهرهای جنوب و جنوب شرقی کشور را به شمال کشور و پایتخت متصل می‌کرده است. آبیاری به وسیله یک سیستم با اهمیت یعنی قنات، این امکان را فراهم می‌نموده که با خشکی منطقه مبارزه شود و توسعه کشاورزی به صورت متراکم و مترقی - اما در سطحی محدود - انجام پذیرد. صنعت قالیبافی درآمدهائی را ایجاد

می‌کرده تا خانواده روستائی بتواند معیشت خود را بدست آورد و فعالیت تجاری در منطقه حفظ شود. کاشان و بازارش یکی از مراکز عمده فرش ایرانی بوده است.

نقشه ۱- تقسیمات اداری شهرستان کاشان به تفکیک بخش و دهستان



در حال حاضر این اقتصاد سنتی دیگر کارائی ندارد. بسیاری از مزارع متروک شده و خیلی از روستاها خالی از جمعیت می‌باشند و تنها شهر کاشان گسترش یافته و تحت نفوذ پایتخت کشور است. مطالعه تحوّل این منطقه سنتی، به عنوان نمونه‌ای از جغرافیای فلات ایران، بسیار جالب است؛ زیرا این اجازه را می‌دهد تا به شکل واضحی به شناخت تحوّل دست یابیم که کلّ کشور از سالهای ۱۳۴۲ به واسطه یک سری اصلاحات ساختاری و مخصوصاً اصلاحات ارضی داشته است. اگرچه شهرنشینی ایران با تأخیر صورت گرفته، اما بعد از جنگ جهانی دوم تشدید شده (هورکاد و دیگران، ۱۹۹۸، ص ۱۲۰)، بطوری که سیستم اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور را زیر و رو کرده است.

جدول ۱- پراکندگی و توزیع جغرافیایی جمعیت شهرستان کاشان ۱۳۷۵ - ۱۳۴۵

سال	نام محل	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵
	شهرستان کاشان	۱۵۴۱۲۶	۲۰۶۷۲۹	۲۸۷۰۷۰	۳۳۵۷۸۵
	منطقه شهری	۸۱۷۳۳	۱۱۶۸۹۵	۱۸۴۹۰۱	۲۶۲۳۹۰
	شهر کاشان	۵۸۴۶۸	۸۴۸۶۳	۱۳۸۵۹۹	۲۰۱۳۷۲
	شهر آران	۲۳۲۶۵	۳۲۰۳۲	۴۲۲۶۵	۵۷۰۷۰
	شهر قمصر	-	-	۴۰۳۷	۳۹۴۸
	منطقه روستایی	۷۲۳۹۳	۸۹۸۳۴	۱۰۲۱۶۰	۷۳۳۹۵
	دهستان آران	۱۰۳۴۰	۱۵۴۰۵	۱۸۹۵۹	۱۰۵۵۳
	دهستان جوشقان قالی	۸۱۷۷	۱۰۸۰۰	۱۱۴۳۹	۶۴۷۳
	دهستان قهرود	۷۱۱۸	۹۵۵۶	۳۴۱۹	۱۸۲۳
	دهستان نیاسر	۲۰۲۱۲	۲۶۶۳۱	۲۴۴۹۱	۲۱۳۴۲
	دهستان حومه	۱۰۹۹۷	۹۲۹۱	۱۰۱۱۴	۱۴۴۴
	دهستان کوهپایه	۱۰۸۲۹	۱۰۸۸۱	۲۳۴۵۲	۱۹۹۲۴
	دهستان کویرات	۴۷۲۰	۷۲۷۰	۱۰۲۸۶	۱۱۸۳۶

منبع: سرشماریهای عمومی نفوس و مسکن شهرستان کاشان. ۱۳۴۵-۱۳۷۵

این منطقه نیمه بیابانی نمایانگر اقتصاد و تحول اجتماعی است که ایران در دهه های گذشته داشته است. نزدیکی به تهران، قدمت ساختار شهری و روستایی، حفظ فعالیت‌های سنتی (بافت فرش)، مشکلات توسعه کشاورزی به دلیل مشکل کمبود منابع آب به شکل واضحی مسائلی را که در منطقه و حواشی شهر کاشان مطرح است، آشکار می‌سازد. سرشماری‌های جمعیتی در دهه‌های گذشته از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ هنگامی که با یک تحلیل روی زمین همراه می‌شود. یک منبع خیلی دقیق و لازم راتشکیل می‌دهد. با مراجعه به این داده‌ها ملاحظه می‌گردد که جمعیت شهری در مقیاس ایران با یک آهنگ ده برابر بیشتر از جمعیت روستایی افزایش یافته و این در حالی است که از جمعیت روستایی کاسته نشده است.

منطقه مورد مطالعه نشان می‌دهد که تباینات بین شهر و روستا زیادتر از کل کشور است. تحلیل تحولات جمعیتی و جغرافیایی یکی از عواملی است که امکان می‌دهد تا تحولات سکونتی و فعالیتی منطقه شناخته شود. روستائیان فعالیت‌های قدیمی کشاورزی و قالیبافی را در مناطق روستایی ترک کرده و به شهر کاشان مهاجرت نموده و در کارخانه های پارچه بافی و قالیبافی مشغول کار شده‌اند. استقرار مهاجران روستایی در حاشیه شهر کاشان موجب گسترش سریع شهر کاشان شده است. مهاجران در حاشیه شهر سکنی گزیده و هر کدام یک کمون یا مجموعه‌ای که

از یک منشأ جغرافیایی هستند را تشکیل می دهند.

تحولات جمعیتی در منطقه کاشان

تحول جمعیتی منطقه کاشان با کل کشور از چندین نقطه نظر متفاوت است. افزایش سریع جمعیت شهری به طور منظم تداوم داشته، در حالیکه بر خلاف آن، جمعیت روستایی دارای تحولاتی کاملاً متفاوت بوده و با رشد ۲/۲ درصد میان سالهای ۱۳۴۵ - ۱۳۵۵ داشته است (متوسط رشد کل کشور ۱/۱ درصد بوده است). در دهه ۱۳۶۵ - ۱۳۵۵ جمعیت روستایی رشد ۱/۳ درصد بوده است (متوسط رشد کل کشور ۲/۴ درصد بوده است). در دهه ۱۳۷۵ - ۱۳۶۵ جمعیت روستایی رشد منفی ۳/۲ درصد داشته است (متوسط رشد کل کشور ۲ درصد بوده است). به طور خلاصه ملاحظه می شود که این سه مرحله خیلی متفاوت از تحول جمعیتی، این منطقه نیمه بیابانی را در تحول کل کشور که افول منطقه روستایی را در بین سالهای ۱۳۷۵ - ۱۳۵۵ داشته، نشان می دهد. بعد از یک دوره رشد سریع از سال ۱۳۵۵، دارای یک رشد خیلی ضعیف تر از کل کشور در سال ۱۳۶۵ و یک رشد منفی در سال ۱۳۷۵ بوده است. این روند تاریخی نشان می دهد که تپ مناطق روستائی بیابانی - منطقه ای که تحولات عمیق از سالهای بعد از اصلاحات ارضی سال ۱۳۴۲ داشته است - این اصلاحات نتایج مهمی در کل کشور خصوصاً در منطقه مورد مطالعه که شرایط طبیعی آن سخت تر از جاهای دیگر کشور است، داشته است.

در طول سالهای ۱۳۷۵ - ۱۳۴۵، جمعیت روستایی در کل، کاهش یافته است؛ در حالیکه جمعیت شهرها سه برابر شده است؛ چیزی که جغرافیای منطقه را زیر و رو کرده است. در سال ۱۳۴۵، ۵۳ درصد جمعیت در مناطق شهری و ۴۷ درصد در مناطق روستایی ساکن بوده، در حالیکه این نسبت در سال ۱۳۷۵ در مناطق شهری، ۷۸ درصد و در مناطق روستایی به ۲۲ درصد می رسیده است (جدول شماره ۲). این روند در نمودار شماره ۱ به خوبی دیده می شود. از سال ۱۳۵۵ توسعه شهری به واسطه افزایش قیمت نفت تشدید شده و صنایع در شهر کاشان متمرکز گردیده است. این رشد شهری از مهاجرت روستائیان به سوی شهرها و همچنین تبدیل شدن بعضی نقاط روستایی به مرکز شهری (تعریف شده بوسیله مرکز آمار ایران با تراکم بیش از ۵۰۰۰ نفر تا سال ۱۳۶۵ و ۱۰۰۰۰ نفر بعد از سال ۱۳۶۵) ناشی می شود (چیزی که موجب تمرکز جمعیت شهری می شود). این دو متناقض هم نیستند و افول روستائی و به طور کلی افول مناطق روستائی و کشاورزی ایران و همچنین از بین رفتن روابط سنتی بین شهر و روستاهای محلی را تصدیق می کند. آنچه در این منطقه و فلات مرکزی ایران بسیار بارز است، توسعه سریع شهرهای بزرگ فلات مرکزی و تهران می باشد که مهاجران روستائی و شهرهای کوچک حاشیه کویر - که دینامیک خود را از دست داده اند - را جذب می کند. (شاطریان، ۱۹۹۶، ص ۵۸) با توجه به شرایط طبیعی سخت این منطقه، روستاها و مزارع بی ثبات و ناپایدار هستند؛ به طوری که ممکن است مشاهده کنیم روستاهای مسکونی زیادی پس از مدتی متروک و خالی از سکنه شوند. در سال ۱۳۷۵، ۸۷ درصد از روستاها و مزارع منطقه خالی از سکنه هستند و این در مورد مزارع مسکونی فصلی است که در مدت کشت، روستائیان در آنجا سکونت دارند و همچنین روستاهائی که در مدت چهل سال گذشته متروک شده است. افول روستائی در منطقه، به دلیل کمبود منابع آب از توسعه و گسترش روستاهای بزرگ جلوگیری می کند. در سال ۱۳۷۵ در ۵۱ درصد از روستاهای منطقه کمتر از ۲۵ نفر ساکن بوده اند؛ در حالیکه

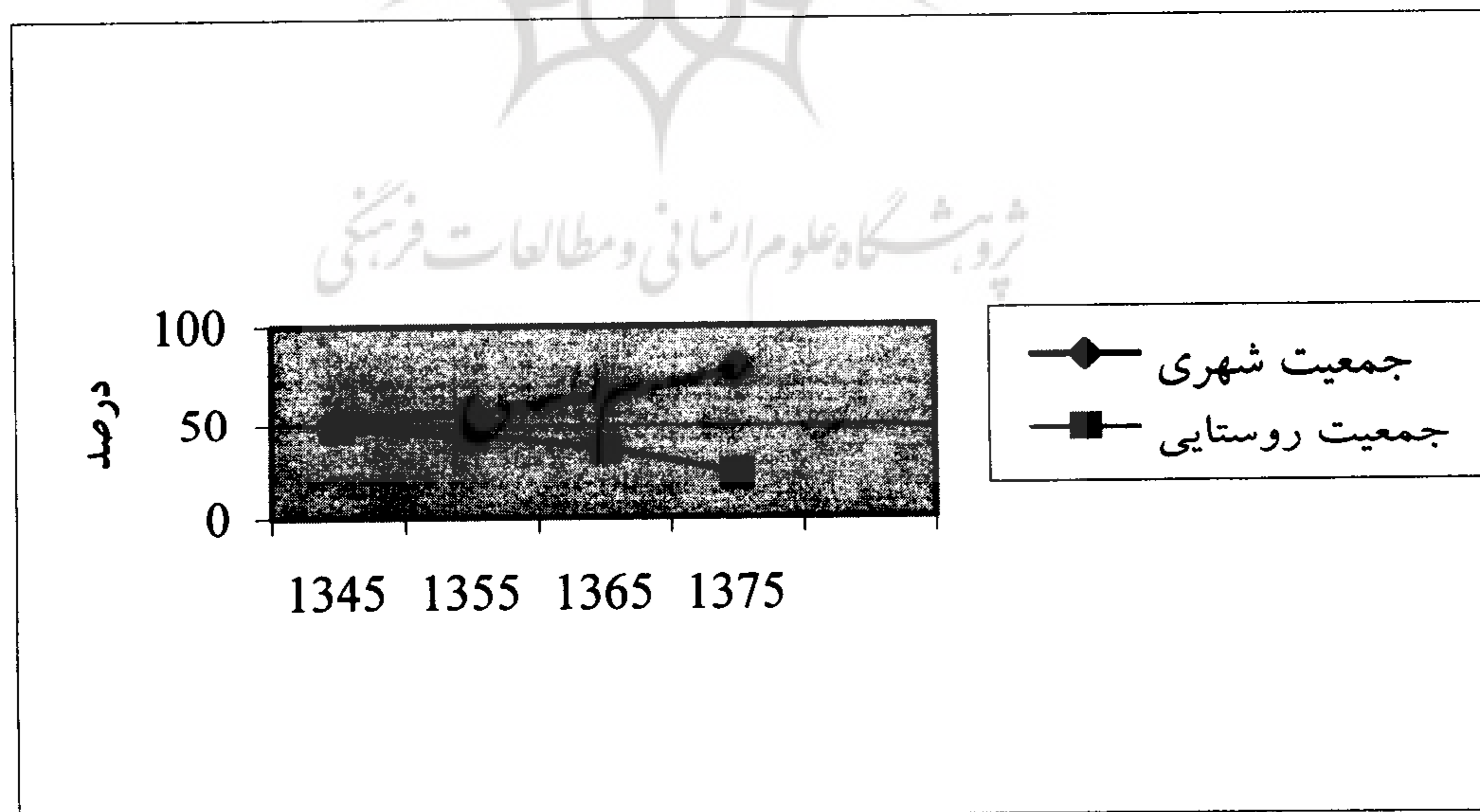
۷۸ درصد از جمعیت در ۱۳ درصد روستاهای بیش از ۱۰۰۰ نفر ساکن هستند. مهمترین ویژگی جمعیت روستاهای کاشان پراکندگی و توزیع جغرافیایی آن است. درحقیقت بیش از ۶۸ درصد از روستاهای کاشان کمتر از ۱۰۰ نفر سکنه دارد، در حالیکه تعداد روستاهای دارای، ۲۵۰ نفر سکنه به دلیل افزایش جمعیت آنها کاهش یافته و به ۲۵ درصد در سال ۱۳۷۵ رسیده است. در نتیجه، ساختار جغرافیای جمعیت روستاهای کاشان، نا برابری توزیع آن را نشان می دهد. (چیزی که مانع توسعه روستائی و برنامه ریزی می شود). دلیل آن را می توان محیط جغرافیائی و برنامه ریزی متمرکز در سراسر کشور دانست.

جدول ۲- توزیع جمعیت در شهرستان کاشان به تفکیک شهری و روستایی (۱۳۴۵ - ۱۳۷۵)

سال	منطقه شهری %	منطقه روستایی %
۱۳۴۵	۵۳	۴۷
۱۳۵۵	۵۶/۵	۴۳/۵
۱۳۶۵	۶۴/۴	۳۵/۶
۱۳۷۵	۷۸/۱	۲۱/۹

منبع: سرشماریهای عمومی نفوس و مسکن شهرستان کاشان

نمودار ۱- تحولات جمعیت شهری و روستایی شهرستان کاشان



علل تحولات جمعیتی در منطقه کاشان:

تاریخ اخیر ایران به وسیله سه عامل مهم جغرافیایی مشخص می شود:

۱- اصلاحات ارضی سال ۱۳۴۲

۲- افزایش قیمت نفت در سال ۱۳۵۳

۳- انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷

همانطور که می‌دانیم، قبل از اصلاحات ارضی روابط حاکم بر روستاهای ایران، رابطهٔ ارباب و رعیتی بوده است و مالکین بزرگ، روستاها را در اختیار داشتند. در مقابل، تعداد زیادی از روستائیان بدون زمین برای آنها کار می‌کردند. روابط بین مالک و زارع بر اساس سیستم اجاره دهی و سهم بری بوده است. سیاست اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۲ نه تنها تغییر اساسی در روستاها در زمینهٔ زیربنایی ایجاد نکرد، بلکه توجه بر شهرها و روستاهای بزرگتر معطوف گردید. این سیاست نیز به شکل تعیین کننده دنبال نشد؛ بلکه موجب رها کردن روستاها از توسعه و گسترش گردید و همچنین به کمک درآمدهای نفتی کشور را دچار تغییر کرد. از بین رفتن روابط اجتماعی گذشته در روستاها و ساختار سنتی قدرت محلی به حدّ زیادی جامعه روستایی را بی‌نظم و بی‌سامان کرد.

اقتصاد سنتی که مدتهای مدیدی به دلیل فرش بافی، مترقی بود و تجارتش منشأ ترقی بازار شهرهای بزرگ بود، به سرعت و به علت درآمد حاصل از نفت حاشیه‌ای شد؛ زیرا از این به بعد توسعهٔ محلی متکی به سرمایه‌گذاری اعطایی توسط پایتخت شد. بمب نفتی سالهای ۱۳۵۳ نقطهٔ حرکت این گسترش شهری افسار گسیخته بود. کمر بند کشاورزی یا بیابانی شهرهای بزرگ به دلیل ساخت و ساز بلوارهای کمربندی، محورهای بزرگ جاده‌ای به منظور آیندهٔ شهرکها و گسترش بدون پایان حومه‌های جدید با تعداد زیادی خانه‌های کوچک فردی و خصوصی تغییر کرد.

با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ مبارزه علیه متروک شدن روستاها و گسترش فضاهاى سبز محیط روستایی آغاز شد و این یکی از محورهای مورد بحث در جمهوری اسلامی بود. نهاد جدیدی به همین منظور تحت نام جهاد سازندگی ایجاد شد و دولت برای توسعهٔ روستاها این نهاد را به یک وزارتخانهٔ مستقل تبدیل کرد. از این تاریخ به بعد در روستاها به امکانات زیر بنایی آب آشامیدنی، برق، تجهیزات آموزشی، چاه‌های عمیق و نیمه عمیق کشاورزی و به طور کلی به بهبود شرایط زندگی در روستاها پرداخته شد. کوشش‌های فراوانی برای بهره‌برداری از زمینهای بایر در چارچوب اصلاحات ارضی اسلامی بعمل آمد. علیرغم نابرابری ناحیه ای (کوهستانی، بیابانی) این سیاست به طور قابل توجهی برای روستاها و روستائیان مفید بوده است.

مطالعه بر اساس سه عامل فوق (اصلاحات ارضی، شوک نفتی و انقلاب اسلامی) که شرح دادیم و همچنین بنابه ویژگی محیط‌های جغرافیایی کشور یعنی کوهستان، کوهپایه و بیابان (دشت) انجام شده است. اگرچه مقدار زیادی از منطقهٔ کاشان کویری است، اما اکثر جمعیت در بخش‌های کوهپایه‌ای و کوهستانی ساکن شده‌اند. محیط کوهستانی، غرب منطقه را اشغال می‌کند. روستاهای این منطقه در کنار چشمه‌های آب واقع شده‌اند. موانع فیزیکی موجب کاهش جمعیت در این ناحیه شده است. این ناحیه به دلیل نبود زمین‌های مسطح و همچنین به علت وجود خاکهای دانه درشت، برای استقرار جمعیت نامناسب است. ناحیهٔ کوهپایه که مابین نواحی کوهستانی و دشتی قرار دارد، از آبرفت‌های تغذیه شده از سیلابهای کوهستانی اطراف کاشان تشکیل شده است. به دلیل شرایط توپوگرافی مناسب و وجود جادهٔ ارتباطی مهم که تهران را به شهرهای جنوب و جنوب‌شرقی متصل می‌کند، محلی مناسب برای استقرار جمعیت است. شهر کاشان هم در این ناحیه قرار دارد. سومین قسمت بیابانهای وسیع کویری است. وجود خاکهای آهکی، گچی و بارندگی ناکافی دلایل اساسی کمبود جمعیت هستند و شرایط زندگی در این ناحیه بسیار

نامناسب و سخت است.

در سال ۱۳۷۵ ناحیه کویر با ۵۵ درصد مساحت، تنها ۷ درصد جمعیت شهرستان را در خود جای داده و ناحیه کوهستانی با ۳۷ درصد مساحت، ۱۵ درصد جمعیت شهرستان را شامل می شود؛ در حالیکه ناحیه کوهپایه با ۸ درصد مساحت، ۷۹ درصد جمعیت شهرستان را در بر دارد.

تحوّلات جمعیتی در مناطق روستایی و شهری در دوره‌های مختلف سرشماری، متفاوت و حتی متضاد بوده است. بر اساس اولین سرشماری در سال ۱۳۳۵، کاشان دارای ۱۲۱۰۰۰ نفر جمعیت بوده که ۵۱ درصد در مناطق شهری و ۴۹ درصد در مناطق روستایی زندگی می کرده‌اند. در سال ۱۳۷۵ این ارقام جمعیت ۳۳۵۷۸۵ نفر را نشان می دهد که ۷۸ درصد در شهرها و ۲۲ درصد در روستاها ساکن بوده اند.

در زمینه فعالیت‌های کشاورزی، تنزل را در منطقه ملاحظه می کنیم. به طوری که اشتغال در بخش کشاورزی از ۱۹ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۱۲ درصد در سال ۱۳۷۵ کاهش یافته، در حالیکه در بخش صنعت و خدمات به ترتیب ۵۸ درصد و ۳۰ درصد است. فعالیت‌های کشاورزی به سمت فعالیت صنایع دستی گرایش پیدا کرده است؛ زیرا در آمد بهتری را تضمین می کند. صنایع دستی پناه شغلی مهمی برای اشتغال زنان محسوب می شود. در منطقه روستایی کاشان ۲۲ درصد مردان و ۹۲ درصد زنان در فعالیت‌های قالبی مشغول هستند. گسترش قالبی به اقتصاد دینامیک ارتباط کمتری دارد، بلکه نتیجه محدودیت فعالیت‌های کشاورزی و کاهش فعالیت دامداری است. قالبی همچنین یک فعالیت مهم از لحاظ درآمد در منطقه کاشان محسوب می شود، به طوری که حاصل مطالعه در دهستان ابوزید آباد نشان می دهد، ۶۸ درصد درآمد از طریق قالبی و ۲۲ درصد از دامداری و ۱۱ درصد از کشاورزی بدست آمده است (رشیدیان، ۱۳۵۷، ص ۱۵).

دومین فعالیت ساختاری در منطقه کاشان، کشت گل و تولید گلاب است. در حالیکه قالبی در سه ناحیه کویری، کوهپایه‌ای و کوهستانی انجام می گیرد، کشت گل و صنعت گلاب مخصوص ناحیه کوهستانی می باشد. کشت گل در شهر قمصر و دهستان قهرود، نیاسر و جوشقان قالی به واسطه شرایط جغرافیایی و فیزیکی مناسب انجام می گیرد (دستمالچی، ۱۳۶۸، ص ۶۲). در سال ۱۳۷۵ سطح زیر کشت گل در منطقه کاشان ۲۸۰۰ هکتار و تولید گل ۳۵۰۰ کیلوگرم در هکتار بوده است. جمعیت ساکن در این ناحیه ۳۳۰۰۰ نفر و شامل ۸۰ روستا است که اقتصاد آن بستگی به تولید گلاب دارد؛ به طوری که در بعضی روستاهای این ناحیه ۸۰ درصد درآمدها از کشت گل و تولید گلاب بدست می آید. به طور کلی ناحیه کوهستانی کاشان بیش از پیش گرایش به کشت گل و تولید گلاب دارد. از سال ۱۳۶۰ توسعه ماشینهای کشاورزی و ایجاد کارخانه‌های گلاب باعث افزایش درآمد ساکنین و ایجاد اشتغال در ناحیه کوهستانی شده است.

نتایج تحولات جمعیتی در منطقه کاشان

۱- افزایش جمعیت شهر کاشان

جمعیت شهر کاشان در دهه ۱۳۵۵-۱۳۴۵ حدود ۴۵ درصد افزایش یافته، در حالیکه این افزایش در شهرستان کاشان ۳۴ درصد بوده است. در دهه ۱۳۶۵-۱۳۵۵ تفاوت افزایش جمعیت میان شهر و شهرستان بیش از دو برابر شده

و در دهه ۱۳۷۵-۱۳۶۵ تفاوت رشد جمعیت سه برابر شده است. در حقیقت جمعیت شهر کاشان در سال ۱۳۷۵، ۴۵ درصد افزایش داشته، حال آنکه جمعیت شهرستان کاشان ۱۷ درصد رشد داشته است.

رشد سریع شهر کاشان به دلیل عوامل زیر بوده است:

الف - شهر کاشان بر محور ارتباطی تهران - یزد که یکی از محورهای ارتباطی مهم ایران است و پایتخت را به شهرهای جنوب و جنوبشرقی متصل می‌کند، قرار دارد.

ب - توسعه صنعت قالی بافی عامل دیگر این گسترش است. سهم اشتغال صنعتی در شهرستان کاشان بالاتر از ۵۰ درصد جمعیت فعال می‌باشد که به دلیل گسترش قالی بافی است که مهاجر فرستی را کند کرده است.

ج - دفاع در مقابل تجاوز عراق دلیل دیگر ازدحام جمعیت در این منطقه بوده است. بدنبال حمله عراق علیه ایران، استان نفت‌خیز خوزستان در سال ۱۳۶۰ با جمعیت شهرهای آبادان (۳۰۰/۰۰۰ نفر جمعیت) و خرمشهر (۱۴۰/۰۰۰ نفر) و همچنین روستاها و شهرهای کوچک همگی تخلیه شده‌اند؛ یعنی در کل ۱/۵ میلیون نفر به سایر شهرها پناهنده شده‌اند. بخش عمده‌ای از این جمعیت به زادگاه والدینشان که قبلاً و در چندین دهه قبل در آنجا متولد شده‌اند، بازگشته‌اند. شهرهای اطراف بیابان مرکزی ایران شامل کاشان، اصفهان و نائین پذیرای هزاران پناهنده شده‌اند (هورکاد، ۱۹۸۳، ص ۶۵).

د - عامل دیگر افزایش جمعیت در منطقه کاشان، پناهندگان افغانی هستند. تعداد زیادی از اینها یا بعد از حمله شوروی در سال ۱۳۵۸ به این شهر مهاجرت کرده‌اند و یا کسانی بوده‌اند که قبل از آن مهاجرت کرده و به دلیل وقوع جنگ نتوانسته‌اند دوباره به کشور خود برگردند. اینها معمولاً در کوره‌های آجرپزی در اطراف شهر و یا در امر ساختمان‌سازی مشغول کارگری می‌شوند.

۲- تغییرات در پراکنندگی جغرافیایی جمعیت روستاها

در دهه ۱۳۵۵-۱۳۴۵ تعداد آبادیها از ۵۰۱ به ۲۹۷ آبادی کاهش یافته و در دهه ۱۳۷۵-۱۳۶۵ به ۹۷۵ آبادی افزایش یافته است. این تغییرات مربوط به آبادیهای بدون سکنه است که تعداد آنها در دهه ۱۳۵۵-۱۳۴۵ از ۲۴۵ به ۷۲ آبادی کاسته شده و در دهه ۱۳۷۵-۱۳۶۵ به ۷۵۹ آبادی افزایش یافته است. دلایل کاهش تعداد آبادیها در دهه ۱۳۵۵-۱۳۴۵ به اصلاحات ارضی و نتایج مستقیم آن مربوط می‌شود که عدم وابستگی روستائیان به مالکین بزرگ را سبب شده و روستائیان توانائی جابجا شدن به طور آزاد را پیدا کرده‌اند. این دهه دوران افول و بحران بخش کشاورزی می‌باشد. بعد از اولین دوره اجرای اصلاحات ارضی، بخش صنعت و خدمات به تدریج گسترش می‌یابد و در مقابل، بخش کشاورزی رکود پیدا می‌کند و به دنبال آن، نتایج نامناسبی در زندگی اقتصادی و اجتماعی در روستاها بروز می‌نماید. از شرایط لازم برای حفظ روستاهای این منطقه به دلیل محدودیت‌های اساسی در زمینه کشاورزی، مبارزه دائمی با عناصر طبیعی نامناسب است؛ زیرا این روستاها آسیب پذیرتر از روستاهای سایر مناطق می‌باشند. این آسیب پذیری مربوط به آبادیهای کوچک و مزارع هستند که خطرات زیادی را تحمل کرده‌اند. نزدیک به یک دهه به دلیل نفوذ عوامل طبیعی و اقتصادی، یک سوّم روستاها متروک شده‌اند؛ به طوری که تعداد زیادی از روستائیان ساکن در دهستان ابوزیدآباد برای فعالیت در بخش کشاورزی به شهرستان کرج مهاجرت نموده‌اند. این روند تا سالهای آخر

دهه ۱۳۵۰ ادامه داشت. اما ایجاد بحران‌های اقتصادی و همچنین انقلاب شکوهمند اسلامی در سالهای ۱۳۶۰-۱۳۵۵ و نبود سرمایه و عدم امنیت سرمایه گذاری موجب کندی این مهاجرت شد. در مقابل با ایجاد تعاونی‌های مشاع و حفر چاه‌های عمیق و نیمه عمیق، تعداد مزارع در این منطقه کویری افزایش یافت؛ خصوصاً در دهستان ابوزید آباد که حدود ۴۰۰۰ هکتار از زمینهای تعاونی مشاع میان روستائیان این دهستان توزیع شد. در سایر دهستان‌های این منطقه در مدت سی سال اخیر، تعداد آبادیها کاهش یافته و در مقابل، مساحت آنها افزایش پیدا کرده است. متوسط جمعیت روستاها از ۲۸۲ نفر در سال ۱۳۴۵ به ۳۳۹ نفر در سال ۱۳۷۵ افزایش یافته، در حالیکه تعداد روستاهای ساکن از ۲۵۶ روستا به ۲۱۶ روستا کاهش یافته است. در سال ۱۳۷۵ پرجمعیت‌ترین دهستانها، دهستان کویرات و جوشقان قالی بوده که به ترتیب و به طور متوسط ۵۶۳ و ۵۳۹ نفر جمعیت در هر روستا ساکن بوده است؛ در حالیکه دهستان حومه با ۶۰ نفر جمعیت به طور متوسط در هر روستا کمترین جمعیت را در خود جای داده است. در سال ۱۳۷۵ ناحیه کوهستانی با ۶۷/۵ درصد جمعیت روستایی پرجمعیت‌ترین ناحیه بوده و ناحیه کوهپایه با ۲ درصد جمعیت روستایی، کمترین جمعیت روستایی را در خود جای داده است. جمعیت روستایی ناحیه کوهپایه به علت نزدیکی به شهر کاشان و توسعه فضای شهری از ۱۵ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۲ درصد در سال ۱۳۷۵ کاهش یافته است.

مطالعه رابطه میان مساحت، جمعیت و تعداد روستاها، نابرابری توزیع جمعیت در منطقه روستایی کاشان را آشکار می‌کند. ناحیه بیابانی با مساحت ۵۵ درصد، ۲۱ درصد از روستاها و ۳۱ درصد از جمعیت روستایی را در بردارد. ناحیه کوهستانی با ۳۷ درصد مساحت، ۶۸ درصد روستاها و ۶۷/۵ درصد جمعیت روستایی را در خود جای داده است (شاطریان، ۱۹۹۹، ص ۱۵). این تباین در روند پراکندگی جمعیت، به کیفیت بارندگی، شرایط محیط طبیعی و دسترسی به منابع آب مربوط است. استقرار جمعیت در منطقه روستایی کاشان تحت نفوذ شرایط طبیعی و فعالیت‌های انسانی است که در مناطق مناسب متمرکز شده‌اند و این باعث فشار روی منابع محیط طبیعی در مناطق پرجمعیت و استفاده ضعیف از پتانسیل‌های اقتصادی به دلیل ضعف امکانات تکنیکی در مناطق کم جمعیت و بیابانی شده است.

۳- ایجاد تغییرات اجتماعی در منطقه

از نظر اجتماعی تغییرات قابل ملاحظه‌ای در منطقه کاشان بوقوع پیوسته که شامل توسعه آموزشی، توسعه خدمات رفاهی و بهداشتی است.

الف- توسعه آموزشی

برحسب سرشماری عمومی ۱۳۴۵، در شهرستان کاشان ۲۶ درصد جمعیت بیش از ۷ سال ذارای سوادخواندن و نوشتن بوده است. این نرخ در دهه‌های بعد افزایش یافته و از نرخ ۸۰ درصد در سال ۱۳۷۵ گذشته است. این آمار، توسعه آموزشی و مخصوصاً باسوادی را در سطح منطقه کاشان نشان می‌دهد. نرخ باسوادی در منطقه کاشان ۳ درصد بیش از متوسط کل کشور بوده است. این افزایش بیان می‌کند از یک طرف نبود جاذبه‌های کشاورزی و از طرف دیگر نرخ بالای جمعیت شهری موجب افزایش نرخ باسوادی و به خصوص در جنس مذکر شده است.

در حقیقت منطقه کاشان طی مدت چهار ساله اخیر به علت رشد جمعیت و رشد شهرنشینی و همچنین پیشرفت باسوادی حتی در منطقه روستایی از سایر مناطق کشور متمایز شده است. در سال ۱۳۷۵، ۷۸ درصد از جمعیت کاشان شهرنشین و ۸۰ درصد باسواد بوده‌اند. افزایش نرخ باسوادی زنان در منطقه شهری و روستایی ورود تدریجی زنان در زندگی عمومی را نشان می‌دهد. زنان یکی از عوامل مهم تحرک در جامعه ایران بحساب می‌آیند. افزایش باسوادی در منطقه روستایی نشان می‌دهد که از این به بعد جامعه روستایی و مهاجران جدید تغییرات عمیق فرهنگی را تحمل کرده و رفتارهایی را پذیرفته‌اند که تا قبل از آن، مشخصه شهرها بوده است (دیگارد و دیگران، ۱۹۹۶، ص ۳۲۶).

ب- توسعه خدمات رفاهی و بهداشتی

فعالیت‌های انجام شده برای تجهیز روستاها شامل آب لوله کشی، برق، خانه بهداشت، ساختن مدرسه و آموزشگاه و غیره به وسیله ادارات و مؤسسات در چارچوب شهرستان موجب افزایش خدمات روستایی، ایجاد اشتغال و کنترل مهاجرت بی‌رویه به سوی شهر کاشان شده است. بنابر این سرمایه‌گذاری انجام شده به وسیله قدرت مرکزی به مقدار زیادی روی زندگی روزانه ساکنین که اقتصاد اصلیشان وابسته به قالی بافی است، تأثیر گذاشته است.

نتیجه‌گیری

شیوه پراکندگی جمعیت در منطقه مورد مطالعه مانند کل کشور نابرابر است. استقرار فضائی جمعیت به تمرکز فعالیت‌های اقتصادی در مناطق مساعد از نظر طبیعی و وجود راه‌های ارتباطی مناسب بستگی دارد. آمایش سرزمین و بهره‌برداری از مناطقی که از لحاظ طبیعی نامناسب است، مثل نواحی کوهستانی و بیابانی نیاز به مطالعه عمیق و برنامه‌ریزی توسعه دارد. این برنامه‌ریزی هنوز انجام نشده است. شهرک‌های ساخته شده در طول سال‌های اخیر اصولاً در اطراف شهر کاشان ایجاد شده و موجب تمرکز تعداد زیادی از جمعیت در مناطق پر جمعیت و خالی شدن جمعیت از مناطق کم جمعیت گردیده است. بیش از یک سوم از مساحت منطقه اکنون خالی از جمعیت می‌باشد. طبیعت بیابانی موجب خالی شدن جمعیت از این مناطق می‌شود و در نتیجه هنگامی که مسائل جمعیتی ایران را بررسی می‌کنیم، مطالعه پراکندگی و استقرار جمعیت دارای تقدم است. بنابراین می‌توانیم منطقه کاشان را به عنوان نمونه‌ای از کل کشور در رابطه با حوادث بزرگی چون اصلاحات ارضی، شوک نفتی، انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم. تحولاتی که تاریخ و جغرافیای منطقه با تباینات زیاد در سایه پایتخت تحمل کرده است. لازم است از خود پرسیم که این نفوذ در آینده محکمتر خواهد شد؟ آیا کاشان کلید توسعه مناسب را دارد؟

منابع و مآخذ

- 1- DIGARD, J., HOURCADE, B., RICHARD, Y., 1996, Iran au xxe siècle. Paris, p 326.
- 2-HOURCADE, B., MAZUREK, H., PAPOLI-YAZDI, M-H. , TALEGHANI, M., ATLAS DIRAN. 1998, La documentation française, paris, p120.
- 3- HOURCADE, B., 1983, "Migrations intérieures et changement social en Iran (1966-1976)". Méditerranée, N 4, pp 65.
- 4- SHATERIAN, M., 1996, Evolution démographique en marge occidentale du désert central iranien de Qom a Yazd. Memoire de D.E.A. Université de paris 1(Panthéons sorbon), Paris, p 58.
- 5-SHATERIAN, M., 1999, Mutation géographiques dans liran central : L'exemple de Kashan et sa région. Thèse pour le doctoral. France, p, 15
- ۶- دستمالچی، حسین. ۱۳۶۸، گل و گلاب در کاشان. مرکز تحقیقات مناطق کویری و بیابانی ایران، نشریه بیابان، شماره ۲۴.
- ۷- رشیدیان، خلیل. ۱۳۵۷، پژوهشی در باره قالیبافی و مسائل آن در روستاهای منطقه بیابان شرق کاشان. مرکز تحقیقات مناطق کویری و بیابانی ایران، نشریه شماره ۸
- ۸- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان کاشان، ۱۳۳۵
- ۹- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان کاشان، ۱۳۴۵
- ۱۰- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان کاشان، ۱۳۵۵
- ۱۱- مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان کاشان، ۱۳۶۵
- ۱۲- مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان کاشان، ۱۳۷۵
- ۱۳- مرکز آمار ایران، فرهنگ آبادیهای شهرستان کاشان، ۱۳۴۵
- ۱۴- مرکز آمار ایران، فرهنگ آبادیهای شهرستان کاشان، ۱۳۵۵
- ۱۵- مرکز آمار ایران، فرهنگ آبادیهای شهرستان کاشان، ۱۳۶۵
- ۱۶- مرکز آمار ایران، فرهنگ آبادیهای شهرستان کاشان، ۱۳۷۵



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی